



دو کلمه اقتصاد

از حدود ۲ دهه قبل، تغییرات و اصلاحاتی در مقیاس کوچک (micro) به صورت حذف یارانه‌های مستقیم و افزایش قیمت دستمزد و سایر عوامل تولید به تدریج آغاز شدند و این زمانی بود که باید حسگرهای فعالان بازار تغییرات را متوجه شده و اقدامات لازم برای مواجهه با تغییرات بزرگ‌تر را آغاز می‌کردند. بسیاری از صنایع این شانس و فرصت را یافتند تا برای تعیین جایگاه محصول خود در بازار به تعیین قیمت و کیفیت آن محصول بپردازند. این فرصت برای تأمین‌کنندگان دارو با یک

فعالان بازار دارویی کشور (تولیدکنندگان، واردکنندگان توزیع‌کنندگان، تولیدکنندگان مواد

اولیه و ...) که در این مقاله به اختصار آن‌ها را تأمین‌کنندگان می‌نامیم. این روزها با شرایط اقتصادی جدیدی روبه‌رو هستند که تا به حال سابقه نداشته است.

یک اقتصاد مبتنی بر فروش نفت و پرداخت یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم طی ۵۰ سال گذشته از سوی دولت‌ها، قیمت عوامل اقتصادی را برای تأمین‌کنندگان به حدی ناچیز کرده بود که تقریباً انجام هر کار اقتصادی به صرف می‌نمود.

انرژی است. نکاتی که از نقطه نظر بحث ما مهم است این که طی مدت اجرای این طرح که حداکثر ۳ سال دیگر تمام خواهد شد، تأمین کنندگان دارو با قیمت واقعی یا به عبارت دیگر، قیمت جهانی عوامل تولید روبه‌رو خواهند شد. این یعنی افزایش واقعی قیمت تمام شده تولید و عرضه. در قبال چنین رشدی در هزینه‌ها، تأمین کنندگان بازار دارو چه خواهند کرد؟

در کوتاه مدت درخواست و تقاضای افزایش قیمت فرآورده نهایی از سازمان غذا و دارو تنها راه‌حل است و کمیسیون به منظور جلوگیری از تعطیلی تولید و کمبود، چاره‌ای جز پذیرش این درخواست‌ها نخواهد داشت اما این روند تا چه زمانی می‌تواند ادامه یابد؟

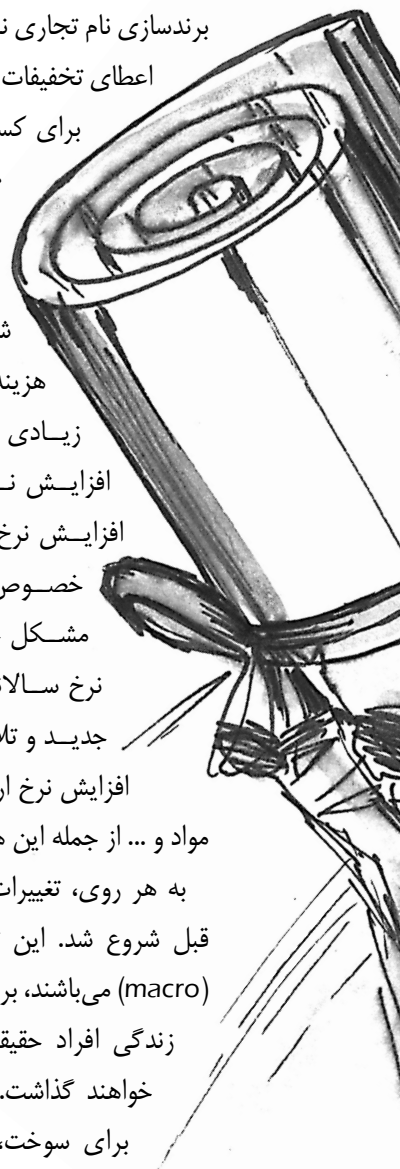
سال‌ها است که صحبت از ارزان بودن قیمت دارو در کشور می‌باشد. نگارنده این سطور بر این باور است که در صورت ادامه روند پیش گفته، داروی تولید داخل این مزیت را نسبت به تولیدکنندگان ژنریک برخی کشورها از دست خواهد داد.

در واقع، کاهش روند رشد شتابان قیمت تمام شده، نیاز به کاهش روند رشد هزینه‌ها دارد اما کنترل هزینه‌ها تنها با کمی صرفه‌جویی و خاموش کردن چند لامپ و کم کردن اضافه‌کار بدون تغییر فرآیندهای موجود امکان‌پذیر نیست زیرا هزینه‌ها، مربوط به روش‌های جاری است

دهه تأخیر و به صورتی نصفه و نیمه فراهم شد اما تبدیل به جریانی فراگیر برای تغییرات اساسی جهت کاهش قیمت تمام شده، کسب گواهی GMP و برندسازی نام تجاری نشد و بیشتر به جنگ قیمت اعطای تخفیفات و گاهی اوقات ائتلاف منابع برای کسب سهم بازار گذشت.

طی این مدت هزینه‌های تولید کنندگان و به دنبال آن قیمت تمام شده تولیدات بالا رفت. هزینه‌های رقابت (بین تعداد زیادی گاهی ۲۴ تولیدکننده) افزایش نرخ جهانی برخی مواد افزایش نرخ سالیانه دستمزدها (به خصوص نیروی انسانی کاربرد و مشکل حل کن به میزان بالاتر از نرخ سالانه)، هزینه خرید تجهیزات جدید و تلاش برای ارتقای کیفیت افزایش نرخ ارز و قیمت تمام شده خرید مواد و ... از جمله این هزینه‌ها هستند.

به هر روی، تغییرات اساسی از حدود ۲ سال قبل شروع شد. این تغییرات که از نوع عمده (macro) می‌باشند، بر روی تمام شئون اقتصادی زندگی افراد حقیقی و حقوقی جامعه تأثیر خواهند گذاشت. منظور حذف ارایه یارانه برای سوخت، برق، گاز و دیگر منابع



کلیدی آن که سرمایه‌گذاری فوق، بسیار سنگین می‌باشد.

در دهه‌های گذشته بروز چنین وضعیتی یعنی رشد سریع هزینه‌های رقابت و سرمایه‌گذاری‌های بنیادی شرکت‌های تأمین‌کننده را در سطح جهانی وادار به شراکت، ادغام و یا خرید یکدیگر کرده است.

انجام اصلاحات ساختاری در شرکت‌های تأمین‌کننده ضرورتی برای بقا و رشد آن‌ها است چرا که ابرهای مشکلات سیاسی و تحریم‌ها و ... گذر می‌باشند و حیات اقتصادی ما پایدار. تبدیل تهدید به فرصت با شناخت زمان و تدبیر امکان‌پذیر است و چالش در صحنه رقابت جهانی باید مسأله بعدی مان باشد.

دکتر وحید محلاتی

و حالتی ساختاریافته (structured) دارد و برای تغییر آن باید ساختار انجام فرآیندها را تغییر داد. اکنون زمان توجه به آموزه‌های علم مدیریت و اقتصاد و مهندسی مجدد فرآیندها و سازمان‌ها است. کنترل هزینه‌ها و قیمت تمام شده که سبب تأمین سود مناسب بنگاه‌ها، رضایت مصرف‌کنندگان و پرداخت‌کنندگان هزینه‌های دارویی (بیمه‌ها) را به دنبال دارد جز با تغییر روش‌های انجام کار ممکن نیست. منظور از مدیریت و اقتصاد به کارگیری حرفه‌ای این علوم به صورت جدی و تخصصی علم و تکنولوژی پیشرفته و استفاده از تجربیات سازمان‌های داخلی و خارجی موفق می‌باشد. انجام اصلاحات زیربنایی و ساختاری در حالی است که رقابت در بازار، جاری و شدید می‌باشد. هزینه پول و تأمین سرمایه بالا است و نکته

